

روزگار و پیشان

درآمد

تلاش‌های مکرر و پیاپی نهضت‌های مختلف ایرانی برای تصرف بغداد و سلطنت مرکز خلافت عباسی، پس از ناکامی‌های مکرر، بالاخره به سال ۳۲۴ هـ، به وسیلهٔ جنش نوبن استقلال طلبی به رهبری خاندان آل بویه با موفقیت همراه شد.

فرمانروایان آل بویه، که در اصل از ناحیهٔ دیلم در جنوب دریای خزر برخاسته بودند، نوانستند در قلمرو خلافت عباسیان یک امپراطوری ایجاد کنند و به صورت محافظان خود خلافت درآیند. آل بویه مانند بسیاری از مدعاوین استقلال و فرمانروایی بر ایران، خود را نواحی ساسانیان می‌دانستند. آن‌ها که شیعیانی دارای سنت‌های سیاسی و مواریت فرهنگی ایرانی بودند، به پیشرفت فلسفه و علم و نیز ترویج شعر و ادبیات صمیمانه خدمت کردند.

معرفی کتاب

کتاب «تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره‌ی آل بویه» تألیف محمد ایمانی فر (رویگر)، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه شیراز و دارای ۳۶۸ صفحه است. این کتاب شامل یک مقدمه و پنج فصل است. طبق گفته‌ی مؤلف در مقدمه‌ی کتاب، وی هنگام جمع‌آوری اخبار و اطلاعات جهت پایان‌نامه‌ی فوق لیسانس خود با عنوان «آقدمات سیاسی، فرهنگی، مذهبی و عمرانی عضدالدوله دیلمی» بیش از پیش متوجه خلاصه علمی دوره‌ی آل بویه شده است، لذا بعد از دفاع پایان‌نامه، درصد تأثیف تاریخ آل بویه برآمده است. مؤلف به این امر اذعان دارد که «گرچه پژوهش‌هایی توسط محققان ارجمند مانند استاد علی اصغر فقیهی، یعقوب آزاد، دکتر پروین ترکمنی آذر، میترا مهرآبادی و نیز پروفسور ولادیمیر مینورسکی، دکتر کلود کاهن، دکتر کلیفورد ادموند باسورث، ایران‌شناسان اروپایی و دکتر مفیض الله کبیر، بویهی‌شناس هندی، صورت گرفته است؛ اما با این وجود اعتقاد دارد که خلاصه تاریخی این دوران همچنان باقی و با توجه به رشد و اع்�تلالی علوم، ضرورت ارائه‌ی پژوهشی نو و عمیق احساس شده که موجب ایجاد انگیزه و هدف

• علی منوجه‌ی

دانشجوی تاریخ اسناد و مدارک آرشیوی، دانشگاه تهران



- تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره‌ی آل بویه
- محمد ایمانی فر (رویگر)
- ناشر: مؤلف، چاپ: قلم، قم، ۱۳۸۹



ظرف سفالی لعابدار از دوره‌ی آل بویه

سوم: دوره‌ی نزاع و درگیری‌های خانوادگی یا انحطاط، سقوط و فروپاشی (۳۷۲ تا ۴۴۸ م.ق.)

نویسنده‌ی کتاب معتقد است با توجه به این که حکومت آل بویه دارای شاخه‌های متعددی بود که هم‌زمان در سرزمین‌های مختلف حکمرانی می‌کردند و قلمرو آن‌ها تغییر می‌یافتد، نگارش تاریخ سیاسی این خاندان را در مقایسه با تاریخ سیاسی بسیاری از دولتها بسیار دشوارتر و از پیچیدگی خاصی برخوردار کرده است. وی در اینجا، سلسله‌ی آل بویه را بعد از مرگ فرزندان بوبه (عمادالدوله، رکن‌الدوله و معزالدوله) به سه شعبه تقسیم می‌کند: (الف) دیالمه‌ی ری، اصفهان و همدان (جانشینان رکن‌الدوله)، (ب) دیالمه‌ی فارس (جانشینان عمادالدوله)، (پ) دیالمه‌ی عراق، خوزستان و کرمان (جانشینان معزالدوله) و سپس به بررسی تحولات سیاسی حاکم بر فرمانروایی حکمرانی عضدادالدوله، بهجهت می‌پردازد در این میان بر دوره‌ی حکمرانی عضدادالدوله، بهجهت بر جستگی و اهمیت آن، با تفصیل بیشتری تأکید و آن را بررسی می‌کند از جمله به لشکرکشی‌های اول و دوم عضدادالدوله به عراق و فتح بغداد، تاج‌گذاری وی در آن‌جا (دارالخلافه)، مناسبات عضدادالدوله با سامانیان و زیاریان، فاطمیان مصر و روم شرقی (بیزانس) می‌توان اشاره کرد. نویسنده در میان امرای ایرانی، از نظر برقراری امنیت در کشور به سامانیان و آل بویه بیشتر اهمیت می‌دهد و معتقد است که در بین پادشاهان آل بویه نیز، عضدادالدوله بیش از دیگر شهریاران این سلسله در راه برقراری امنیت و رفاه و آرامش جهت رعایای حکومت

جهت تدوین و تألیف این کتاب شده است.

فصل اول: نیم‌نگاهی به تاریخ عمومی جهان مقارن حکومت آل بویه: نویسنده در این فصل ابتدا به بررسی اوضاع و تحولات سیاسی کشورهای فرانسه، ترمانی (المان) و انگلیس در مقطع زمانی قرن ۹ تا قرن ۱۱ میلادی مقارن حکومت آل بویه پرداخته است و سپس به بررسی اوضاع سیاسی امپراطوری روم شرقی (بیزانس)، وضعیت فرهنگی و تجاری - بازرگانی قسطنطینیه پایتحث آن و اشاراتی نیز به تجزیه سیاسی بیزانس نموده است. حکومت روسیه نیز از منظر سیاسی و اجتماعی در فاصله بین قرون ۱۰ تا ۱۳ میلادی، وضعیت صنعت و طبقه‌ی بورژوا در اروپا از موارد دیگری است که به آن پرداخته شده است. بررسی حکومت امویان اندلس از زمان به قدرت رسیدن عبد الرحمن سوم (۹۱۶-۹۱۲ م) تا انفراط آنان در دوره‌ی خلافت فاصله عباسی (۴۲۳ م/۱۰۳۱ ق) و پیشرفت علوم در آن‌جا همراه با فرمانروایی فاطمیان مصر از زمان حکومت ابو تمیم معد (۴۳۱ م/۹۵۳ ق) - دوران شروع جلال و شکوه آن‌ها - تا پایان خلافت ظاهر در سال (۱۰۲۰ م/۴۴۱ ق) نیز مورد توجه قرار گرفته است. در آخر این فصل مؤلف به طور مختصر وضعیت سیاسی حکومت‌های هند، چین و ژاپن را از منظر گذرانیده است.

فصل دوم: تاریخ تحولات سیاسی آل بویه: در این فصل نویسنده ابتدا اجمالاً به سرزمین و مردم دیلم پرداخته و سپس روایات مختلفی از مورخان راجع به نسب آل بویه و جعلی بودن یا نبودن آن اورده است. وی زمینه‌ها و چگونگی پیدایش دولت آل بویه را به دو دسته زمینه‌های بلندمت و کوتاه‌مدت تقسیم می‌کند. «شیوه‌ی عباسیان در کنار آمدن با مشکلات سیاسی دستگاه خلافت در درون سرزمین‌های اسلامی و اتخاذ روش‌های غیرمتتمرکز، که منجر به افزایش استقلال نسیی حکام محلی گردید» از زمینه‌های بلندمت و «پیوستن علی بن بویه در ابتدا به مکان بن ماکی (از شاهزادگان گیلان و حاکم ری) و بعد به مرادویج بن زیار و فرماندهی کرج ابوالفضل شدن از طرف وی را» از زمینه‌های کوتاه‌مدت پیدایش و قدرت‌یابی آل بویه ذکر کرده است. پیشرفت آل بویه از منظر نویسنده، معلوم عواملی چون سخاوت، سعه‌ی صدر، لیاقت، استعداد، هوشیاری، کاردانی، فن سیاست، حسن تدبیر، دلاوری و نیک نفی از میان این بیانات می‌باشد. همراه با خوش رفتاری نسیی آل بویه با ضعفا و اجتناب از غارت و قتل عام در بلاد، ناخشنودی بسیاری از مردم و بزرگان از وضع آشفته دستگاه خلافت عباسی، دستیابی به گنج‌های بعقوب و عمرولیث صفاری و خلیفه‌ی عباسی است.^۱ تاریخ تحولات سیاسی در این‌جا به سه دوره تقسیم می‌شود:

نخست: دوره‌ی پیدایش و رشد در ایام عمارت عmadالدوله علی بن بویه (۳۲۱ تا ۳۳۸ م.ق.)
دوم: دوره‌ی اقتدار و وحدت در ایام فرمانروایی رکن‌الدوله و عضدادالدوله (۳۳۸ تا ۳۷۲ م.ق.)

نویسنده در میان امرای ایرانی، از نظر برقراری امنیت در
کشور به سامانیان و آل بویه بیشتر اهمیت می‌دهد و معتقد
است که در بین پادشاهان آل بویه نیز عضدالدوله بیش از
دیگران در این زمینه سعی و تلاش کرد

این دوره وزرای برجسته‌ای مانند ابوالفضل بن عمید، وزیر رکن‌الدوله و صاحب بن عیاد، وزیر مؤیدالدوله و فخرالدوله نیز وجود داشتند که به راحتی نمی‌توان از نقش مهم و تأثیرگذار آنان چشم پوشی کرد. نگارنده کتاب در این بخش به بررسی وزرای آل بویه پرداخته و تا آن جا که منابع اجازه داده، در مورد اهمیت هر وزیر و اقدامات او بحث کرده است. در بخش دوم این فصل، نویسنده روش اداری قلمروهای تحت حاکمیت بویهیان را به همان روش و شیوه‌ی عباسیان می‌داند. زیرا معتقد است دیلمیان، مردمی که در زمانی بسیار کوتاه از زندگی ساده قبیله‌ای به حاکمیت منطقه‌ای وسیع دست یافته‌اند، فرست آن را نداشتند تا از تجربیات ملکداری توشهای برجیزند.^{۱۰} در اینجا مؤلف ابتدا نقش صاحب دیوان (رؤسای دیوان) و سپس دیوان‌های متفاوت و مختلف این دوره را مورد بررسی قرار داده است. دیوان‌های مورد بررسی عبارتند از: دیوان رسائل، مظالم، قاضی، برید، اشراف، محتسب، شرطه (احداث)، بیت‌المال، خزانه، استیفاء، خراج، جهبد، خاتم، الفض، التواقيع و الدار، الصوافی، سواد، الزمام، مصادرات، اوقاف، البر و صدقات، نفقات، آب (الماء)، مواريث و جیش. در ادامه، ارتش و سپاه آل بویه از لحاظ ترکیب عناصر، تقسیم‌بندی سپاهیان، ابزار، وسایل و تاکتیک‌های جنگی، تعداد نیروهای نظامی و سلسه مراتب سپاه بررسی شده‌اند. در آخر این فصل نیز، منصب نقابت علویان مورد توجه واقع شده است. از جمله این نقیبان می‌توان به شریف ابواحمد موسوی (پدر شریف رضی) ملقب به «طاهر ذوالمناقب» به عنوان نقیب علویان در عراق و شریف رضی ملقب به «رضی ذوالحسین» به عنوان نقیب طالبیان در عراق اشاره کرد. از نظر مؤلف منصب نقابت از جمله مناصبی بود که بویهیان می‌توانستند با آن در مقابل خلافت عباسی، مشق سیاسی – عقیدتی کنند.

فصل چهارم: اوضاع اجتماعی و اقتصادی در دوره‌ی آل بویه: این فصل شامل دو بخش اوضاع اقتصادی – مالی و اقدامات عمرانی در این دوره است. در بخش اول که سیاست مالی آل بویه به بحث کشیده شده، نویسنده بیان می‌دارد که سازمان اقتصادی این حکومت در مقایسه با عصر قدرت خلفاً و امرای دیگر، تغییر چندانی نیافت. تنها پدیده‌ای که در آن دوره شیوع بیشتر یافت، واگذاری حق گرددآوری مالیات یک منطقه به امیر یا وزیر یا صاحب منصی بود که خدمتی انجام داده بود که گاه اصولاً به عنوان مستمری به وی واگذار می‌شد و این نظام اقطاع مالیاتی

خود، بهویه مردم بغداد سعی و تلاش کرد.^{۱۱} این برقراری نظم و امنیت پیامدهایی نیز برای آن حکومت داشت. از جمله افزایش درآمد دولت بویهی و یا پیشرفت و شکوفایی در فارس و عراق را می‌توان نام برد.^{۱۲} نویسنده در ادامه به نقل از منابع ذکر می‌کند که عضدالدوله اولین کسی است که در تاریخ اسلام رسماً به نام ملک (پادشاه) مورود خطاب قرار گرفت و اولین کسی بود که این نام در خطبه‌ی بغداد نام برد.^{۱۳}

هم‌چنین وی سنت قدیم شاهنشاهی ساسانی را احیاء و امارت آل بویه را به سلطنت واقعی تبدیل کرد و مسأله‌ی جدیدی در تاریخ سلسله‌های ایرانی در ارتباط با دستگاه خلافت ایجاد کرد و آن مسأله، طرز تحقق اندیشه پادشاهی با سنت ایرانی بود.^{۱۴} بهطور کلی مؤلف بر این اعتقاد است که دیالمه در راه احیای استقلال ملی و تجدید شئون و مراسم قدیمی ایران، سعی بليغ از خود نشان دادند و از اين لحظه می‌توان گفت، دیالمه به خصوص آل بویه، در کلیه‌ی نقاط کشور، حتی در مرکز نفوذ آنان (دارالخلافه‌ی بغداد) بیش از سلسله‌های صفاریان و سامانیان به حس ملیت و وطن‌برستی توجه داشتند.^{۱۵} در ادامه این فصل، به تأثیرات و ویژگی‌های این سلسه نسبت به حکومت‌های قبل و علی زوال آل بویه پرداخته شده است. از این موارد می‌توان به: فکر موروثی بودن قدرت، نزاع‌های داخلی خاندان بویه، توطئه‌ها و فتنه‌های خلیفه‌ی عباسی، شیعی مذهب بودن این خاندان، اختلاف دیلمیان با ترکان و حذف نیرومند دیلم از عرصه‌ی تشکیلات سپاه و سپردن قدرت مطلقه به ترکان، بحران‌های دشوار اقتصادی و هرج و مرج ناشی از آن و جنگ‌های سامانیان با آل بویه در تضعیف و زوال آل بویه اشاره کرد.

فصل سوم: تشکیلات حکومتی در دوره‌ی آل بویه: این فصل در دو بخش وزارت و تشکیلات دیوانی ارائه شده است. در بخش اول نقش و وظایف وزرای این دوره مورد توجه قرار گرفته است. وظایفی مانند مسئولیت عملیات نظامی، رسیدگی به کارهای کشور، فرماندهی سپاهیان در جنگ‌ها و حتی سردار لشکر بودن. البته با وجود این عظمت و منزلت، مقام وزارت در عهد آل بویه تا حد قابل توجهی محو شد، صاحبان این مقام معمولاً بازیجه‌ی دست امیر بودند. در چنین شرایطی وزیر ابتکار و اراده‌ای از خود نداشت، بهویه این که هر زمان ممکن بود او را از وزارت برکنار سازند و در اواخر دوره‌ی آل بویه این بیش از پیش بی ثبات تر شد. درواقع امیران آل بویه وزیران را سپر بلای خوبیش قرار داده بودند.^{۱۶} در

این دوره از لحاظ کتاب و کتابخانه نسبت به دوره های دیگر امتیاز داشت و در شهرهای مختلف ایران و عراق کتابخانه هایی وجود داشت که در هیچ زمانی نظری برای آنها پیدا نشد

روزگار بیان

می شود. این دوره را از منظر وسعت و رواج علم و ادب، شاید بتوان ممتازترین عصر اسلامی به شمار آورد. در این عصر شخصیت های بلندمرتبه‌ی علمی پرورش یافتد که شهرت و آوازه‌ی آنها به حوزه‌ی فرهنگی حوزه‌شان محدود نشد و به اروپای قرون وسطی نیز رسید.^{۱۲} نویسنده سپس پادشاهان و وزرای علم و دوست و هنرپرور و نیز دانشمندان دربار آل بویه را مورد توجه قرار می‌دهد که از رکن‌الدوله آغاز و تا دوران پرشکوه عضدالدوله و بعد مجلدالدوله، جلال‌الدوله و ابن‌ماکولا وزیرش ادامه دارد. دربار آل بویه میزبان دانشمندان، علماء و شعرای بزرگی چون ابوحنیفه دنوری، ابوالفرج اصفهانی، ابویکر خوارزمی، ابوعلی فارسی نحوي، ابوعلی مسکویه، ابواسحاق صابی، ابوطیب متنبی، ابوعلی سینا و دیگران بود. از عوامل توسعه علم و دانش در این دوره، تأسیس خلافت عباسیان به دست اقوام غیرعرب به‌ویژه ایرانیان، برخورداری امیران این سلسله از خدمات وزرای دانشمند و دانش‌پرور، رفتار دور از تعصب مذهبی آل بویه با پیروان سایر ادیان و رواج کتاب و گسترش بازار و رفاقت با کتابفروشان است که در این بخش به آنها اشاره شده است. این دوره از لحاظ کتاب و کتابخانه نسبت به دوره های دیگر امتیاز داشت و در شهرهای مختلف ایران و عراق کتابخانه هایی وجود داشت که در هیچ زمانی نظری برای آنها پیدا نشد. مانند کتابخانه های ری، شیراز، اصفهان و سایر شهرها^{۱۳}. در بخش دوم به جایگاه فرق مذهبی در این دوره و سیاست مذهبی پادشاهان این سلسله برداخته شده است. مذهب تسنن و فرق سه گانه‌ی آن، تشیع، مذهب نجاریه، زعفرانیه، ظاهریه، معتزله، خوارج و فرقه تصوف از جمله مذاهیت این دوره هستند که به آنها برداخته شده است. جغرافیای مذهبی شیعیه امامیه و زمینه‌های گسترش این مذهب از مواردی است که مورد توجه قرار گرفته است. مؤلف زمینه‌های گسترش مذهب شیعیه امامیه را عواملی چون نفوذ و اقتدار آل بویه بر دستگاه خلافت عباسی، فعالیت های فرهنگی شیعه مانند مناظرات شیخ مفید و سیاست مذهبی آل بویه بر می‌شمارد. علل اختلافات و درگیری های شیعیان و سنیان و موضع امیران بویه در برابر این درگیری ها نیز مورد بحث قرار گرفته است.

در این دوره شیعیان امامیه در عراق و ایران مسلط بودند و اجازه داشتند بدون نیاز به تقیه، به ترویج عقاید خود پردازند. متکلمان بزرگ از

به تدریج باعث استقلال مالی مقطع و ضعف دیوان خراج و گاهی تهی ماندن خزانه‌ی دولت می‌شد.^{۱۴} متابع درآمد آل بویه از راه خرید و فروش مقامات، مصادره اموال، جریمه کردن افراد عادی و یا کارکنان حکومتی بود. اما منبع اصلی درآمدهای دولتی و مالیات‌ها که به دیوان بیت‌المال می‌رسید، معمولاً از طریق خراج، جزیه، عشر وغیره بود.^{۱۵} تنها در دوره‌ی سلطنت عضدالله‌و بود که در مدیریت و نظام مالی تجدید نظر به عمل آمد و به نحو رضایت‌بخشی سازمان یافت. اما به طور کلی می‌توان گفت که مال‌اندوزی‌ها و بخشش‌های نایخداخانه، سبب تضعیف بنیه‌ی اقتصادی و از علل زوال آل بویه به‌شمار می‌رود. مؤلف در ادامه به بحث تجارت، مسکوکات، چک و سفته در آن دوره می‌پردازد. در بخش دوم راجع به اقدامات عمرانی این دوره، نویسنده بر این باور است که با در نظر گرفتن میزان مالیات‌های مأخوذه و عمران و آبادانی صورت گرفته در آن زمان، پادشاهان آل بویه اگرچه از اسلاف خوب‌بهرت بوده‌اند؛ اما فقط مقدار ناچیزی از این مالیات‌ها را برای عمران و آبادانی مملکت به کار برندن.^{۱۶} در ادامه به بیان اقدامات عمرانی پادشاهان آل بویه پرداخته می‌شود که در میان آن‌ها، اقدامات عمرانی عضدالله به خشن عمدۀ‌ای را به خود اختصاص داده است. اقداماتی مانند احداث، تعمیر و بازسازی مقابر ائمه در داخل ایران و عراق، احداث و بنای مساجد، بیمارستان، پل، بازار، کanal آب، راهسازی و کارهای دیگر در فارس، خوزستان، بغداد و سایر نقاط که نشان از استعداد، توانایی و شایستگی‌های این پادشاه دارد.

فصل پنجم: تحولات فرهنگی در دوره‌ی آل بویه: این فصل شامل دو بخش است. بخش اول به جایگاه علم و دانش در این دوره و بخش دوم به جایگاه فرق و مذاهب می‌پردازد. یکی از امتیازات دوره‌ی آل بویه بالا رفتن سطح دانش و فرهنگ مردم بود که خود و وزرای ایشان تأثیر بهسزایی در آن داشتند؛ زیرا وزرا اغلب از طبقات نویسنده‌گان و دانشمندان برگزیده می‌شدند. در این مورد آوازه‌ی آل بویه در فضا طنین انداز شد، تا آن‌جا که دانشمندان و اهل ادب از هر سو به جانب ایشان روی آوردند و از توجه‌شان برخوردار شدند. در میدان ادب، فلسفه و در دانش و سازندگی و به کار انداختن اندیشه‌ها، گویی سبقت را از خلفای عباسی ریودند. نویسنده عصر آل بویه را اوج دورانی می‌داند که آدم متنز آن را از روی آگاهی «رسانیس اسلامی» نامید و از بسیاری جهات دوره‌ی عظمت و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی محسوب

این دوره، مشاهده نمی‌کنیم و تنها در ابتدای فصل در پانوشت ص ۱۸۶ کتاب، نویسنده خوانندگان را جهت اطلاع از طبقات اجتماعی، چگونگی زندگی مردم و اوضاع شهرها و بازارها به کتاب «آل بویه و اوضاع زمان ایشان»^{۱۰} تألیف استاد فقید علی اصغر فقیهی ارجاع می‌دهد.

آشتفتگی، بی‌نظمی و پراکندگی مطالب در بعضی قسمت‌های کتاب از دیگر نکات ضعف کتاب است. مثلاً در فصل پنجم، مؤلف شیعیان اسماعیلی را بعد از بحث متكلمان شیعیه در دوره‌ی آل بویه آورده است؛ به جای آن که در قسمت بررسی جایگاه فرق مذهبی مورد توجه قرار گیرد، با قرار دادن معترله از مکاتب اسلامی جزو فرق مذهبی یا این که بدون درج هیچ عنوان و مقدمه‌ای در مورد اقلیت‌های غیر مسلمان، مستقیماً از شیعیان اسماعیلیه به سراغ دین زرتشتی رفته است.

نویسنده در مقدمه‌ی کتاب هدف خود از تأییف این نوشتار را خلاصه تاریخی م وجود درباره‌ی این دوره می‌داند، اما مطالعه کتاب نشان می‌دهد که مؤلف صرف‌آبه ارائه‌ای داده‌ها و اطلاعاتی از منابع و مأخذ معتبر و غیرمعتبر در مورد بعضی مسائل جزئی، که در دیگر منابع پژوهشی به آن‌ها توجه نشده، پرداخته است و تحلیل جدیدی راجع به این دوره ارائه نداده است. کاری که، روی پرویز متحده در کتاب خود با عنوان ترجمه شده‌ی «أوضاع اجتماعی در دوره‌ی آل بویه؛ ففاداری و رهبری در جامعه اسلامی»^{۱۱} تا حدی توائسته است آن را انجام دهد. البته استفاده از منابع متعدد و موضوعات متنوع در این کتاب از ویژگی‌های منحصر به فرد آن نیز بهشمار می‌رود.

پی‌نوشت

۱ ایمانی فروینگر، محمد، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره‌ی آل بویه، ناشر: مؤلف، چاپ قلم قم، ۱۳۸۹، صص ۴۲ و ۴۳

۲ همان، ص ۴۶

۳ همان، ص ۸۹

۴ همان، ص ۹۴

۵ همان، صص ۱۱۶ و ۱۱۷

۶ همان، ص ۱۱۳

۷ همان، صص ۱۳۱ و ۱۳۲

۸ همان، ص ۱۶۴

۹ همان، ص ۱۸۶

۱۰ همان، ص ۱۸۹

۱۱ همان، ص ۲۰۴

۱۲ همان، صص ۲۴۲ و ۲۴۳

۱۳ همان، ص ۲۶۱

۱۴ دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱

۱۵ فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، تهران، صبا، ۱۳۵۷

۱۶ متحده، روی پرویز، اوضاع اجتماعی در دوره‌ی آل بویه؛ ففاداری و رهبری در جامعه اسلامی

سده‌های نخستین، ترجمه محمدرضا مصباحی و علی یحییی، مشهد، خانه‌ای، ۱۳۸۸

این فرصت استفاده کردن و به تدوین عقاید خود پرداختند و اصول اعتقادی شیعه را مفسران شاخصی چون کلینی، ابن بابویه، شیخ مفید، سید رضی (شریف رضی)، سید مرتضی و شیخ طوسی به طرز فقال و نمایانی تدوین کردند که نویسنده به بررسی آن‌ها پرداخته است. جایگاه ادبیان زرتشتی، یهودیت، مسیحیت، مذکوی، مانوی و بودا در این دوره و همچنین مذهب آل بویه و سیاست تساهل و تسامح امیران آن، از آخرين نکاتی است که نویسنده به آن پرداخته است.

از زیبایی کتاب

هر تحقیق و پژوهشی در عین ارزش علمی که دارد دارای معايی نیز هست که رفع آن‌ها می‌تواند به غنی‌شدن اثر منجر شود. کتابی که به معرفی آن پرداختیم نیز، از این قاعده مستثنی نیست. ضمن قدرانی از خدمات مؤلف، به نظر می‌رسد ساده‌تر ذکر چند مورد از معايی ظاهری و محتوايی کتاب، و رفع آن‌ها از سوی نویسنده محترم در چاپ‌های بعدی، اثر غنی تر گردد.

نویسنده در فصل اول کتاب به بررسی تاریخ عمومی جهان، معاصر با دوره‌ی حکومت آل بویه پرداخته است. زمانی بررسی تاریخ عمومی جهان اهمیت داشت که این دولت روابط و سیاست خارجی فعالی را در طول دوران حکومت خود دنبال می‌کرد یا این که در زمینه‌های مختلف تجاری، فرهنگی، سیاسی و مذهبی دارای تعاملاتی با حکومت‌های دیگر می‌بود. اما در این جا حکومت‌های مطرح شده‌ای مانند انگلیس، زورن (المان)، فرانسه، و ژاپن ارتباط و رابطه و حتی تأثیری بر این دولت نداشته‌اند. نویسنده می‌توانست به طور مفصل تر و جامع‌تر به بررسی روابط و مناسبات آل بویه با فاطمیان، حمدانیان و روم شرقی پردازد و روابط تجاری با هند، چین و روسیه را در بخش مربوط به اوضاع اقتصادی و تجاری مورد توجه قرار دهد.

نویسنده در فصل پنجم کتاب خود بیان می‌دارد عصر آل بویه را که آدام متنز از روی آکاهی «نسانس اسلامی» نامیده، از نظر وسعت و رواج علم و ادب، شاید بتوان ممتازترین عصر اسلامی بهشمار اورد. از همین رو، در فصل اول می‌توانست با بررسی تطبیقی این حوزه فرهنگی با اروپای قرون وسطی، عظمت و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی را بیشتر نمایان سازد.

از جمله نکات ضعف این کتاب، ارجاعات مؤلف به مأخذی مانند دایره‌المعارف و دانشنامه‌های است. به عنوان نمونه در فصل دوم کتاب، ص ۵۱، در موضوع اعطای لقب «ملک الامم» به فخرالدوله بن رکن الدولد توسط الطائع خلیفه عباسی، به دایره‌المعارف بزرگ اسلامی^{۱۲} ارجاع داده شده است. اگر به ذیل مدخل آل بویه در این دایره‌المعارف رجوع شود، شاهد این خواهیم بود که نویسنده مدخل، خود به کتاب «البیر» شمس‌الدین محمد ذهبی ارجاع داده است و بهترین بود که مؤلف خود، مستقیماً به این منبع رجوع می‌گرد.

فصل چهارم کتاب تحت عنوان بررسی اوضاع اقتصادی در دوره‌ی آل بویه می‌بایست باشد، نه اوضاع اجتماعی و اقتصادی، چون در این فصل ما مطلبی راجع به اوضاع اجتماعی، جز توصیف اقدامات عمرانی